



● مسایل اجتماعی، محصول برداشت و پندار جمعی‌اند و مورد توجه اجتماع، افراد، سازمان‌های دست‌اندرکار امر سیاستگذاری و ذی‌نفعان قرار می‌گیرند. ویژگی آنها، عمومیت، فراگیری، حساسیت و خواست عمومی برای دستیابی به راه‌حل آنهاست. ماهیتی چندبعدی و درهم‌تنیده دارند. برخی آنها را نوعی جنبش اجتماعی به‌شمار می‌آورند. گام نخست در حل مسایل اجتماعی مشاهده صورت‌بندی توصیف عینی مشکل، بررسی چرایی و چگونگی آن، شناسایی متغیرها، تعریف شاخص‌ها، شناخت ابزارهای تأثیرگذار در متغیرها و تبیین حدود و مرزهای آن است.بررسی پیشینه تحول تکاملی ساختار سازمانی وظیفه‌مند در امور ایرانیان خارج از کشور، رهنمون‌کننده به چندنگته معنادار است: اهمیت و حساسیت موضوع، ابعاد و گستره روزافزون دامنه موضوع، تأثیرگذاری آن، ضرورت پرداختن و مدیریت آن و...مساله ایرانیان خارج، از دویعد قراردادی‌بودن و عینی‌بودن- شاخص‌های معناداری پدیده‌های اجتماعی- معناداری بالایی دارد.تأثیرات اجتماعی- اقتصادی ایرانیان مقیم خارج در خارج و داخل، قابل بررسی و اندازه‌گیری است. به‌علاوه مسایل هویتی، باورها و ارزش‌ها، تعلق‌خاطرسرزمینی، پیوستگی فرهنگی و تاریخی با پیشینه تمدنی ایرانی- اسلامی، یازنمودهای قومی، زبانی، همگرایی یا واگرایی، سیاسی، مشارکت، جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، تأثیر از گفتمان‌های رایج و حتی تولید گفتمان‌های نو و خاص و... آنان با روش‌های کیفی و تحلیلی، قابل مشاهده، سنجش و تبیین است.مساله ایرانیان از حیث گستره، حساسیت عمومی، توجه اجتماع سیاستگذار و سنجش در چه اهمیت، دارای ویژگی‌های یک مساله اجتماعی است و از این‌رو که ماهیتی درهم‌تنیده، چندبعدی، فرابخشی و میان‌دستگاهی دارد نیز، یک مساله اجتماعی است. مساله ایرانیان نه پدیده مهاجرت است، نه فرار مغزها. در جهان متکثر و رو به بی‌مرزی اجتناب‌پذیر، جابه‌جایی اندیشه‌ها در فضای جغرافیایی و مجازی، با انگیزه «مقاوت‌بودن از دیگران» روزافزون وقوع خواهد یافت. مساله اصلی، مدیریت منابع و در اس آن سرمایه‌یگانه اندیشه‌ها و مغزهاست. دولت‌ها، بنگاه‌ها، سمن‌ها و... برای جذب و انحصاری‌کردن اندیشه‌ها و مغزها، به هدف تولید کالا، خدمات، انگذاری و جهت‌دهی با روند مدیریت جهان در رقابت شدیدند.بحث بر سر وجود تشکیلاتی به نام شوراییالی امور ایرانیان و... نیست، بلکه نکته اصلی، وجود چندمیلیون ایرانی در خارج از کشور است که به‌عنوان یک مساله اجتماعی دارای ماهیتی فرابخشی، میان‌دستگاهی و چندرشته‌ای است. مساله حدود شش‌میلیون ایرانی مقیم خارج با ظرفیت آشکار و پنهان اجتماعی- اقتصادی و حساسیت فرهنگی و سیاسی ویژه، قابل چشم‌پوشی و بی‌اعتنایی نیست. اهمیت مساله ایرانیان خارج، همپای موضوع هسته‌ای ج.ا.ا قابل بررسی و ارزیابی است.بسیاری از اقدامات به نتیجه نمی‌رسند؛ زیرا اساسا مساله، مسیر، حدود و مرزهای کار، روشن نیست. صورت‌بندی دقیقی از موضوع و تقسیم وظایف و تکالیف به‌درستی صورت نپذیرفته است. در فضایی متوهم از احساس موازی‌کاری دستگاه‌های اجرایی، بخشی از انرژی متولیان امر صرف ثبات اهلیت خویش بر مدیریت موضوع می‌شود. در این میانه، طرح‌ها و برنامه‌ها در سطح نوشتار باقی می‌ماند. داشتن اطلاعات پایه و مشور و سند راهبردی برای پیگیری یک خط مشی معطوف به هدف، از بدیهیاتی است که به‌دلیل عدم تنقیح موضوع ایرانیان، تاکنون حصول نیافته است.اکنون که دولت یازدهم، مبتنی بر دو رویکرد فرصت‌محور (توسعه‌گرا) و خدمت‌محور (وظیفه‌گرا)، تأکید دارد: ایرانیان خارج میسران و بقصر جمهوری اسلامی ایران هستند، بین آنان با ایرانیان داخل از حیث حقوق شهروندی تفاوتی نیست؛ سرمایه بزرگی برای توسعه کشور هستند؛ باید تردد آنان به کشور تسهیل و پیوند آنان با سرزمین اصلی؛ هویت ملی و فرهنگی‌شان تقویت شود، در توسعه ملی ایفای نقش کنند؛ در جذب سرمایه خارجی، اولویت بر جذب سرمایه ایرانیان خارج است؛ منزلت پاسپورت ایرانی احیا شود؛ نمایندگی‌های ج.ا.ا. در خارج موظف به ارائه خدمات بهینه به آنان هستند و... باز تنقیح امور ایرانیان به‌عنوان گام نخست در تحقق اهداف فوق، ضرورت دارد.تغییر در سیاست‌ها زمانی رخ می‌دهد که سیاستمداران، خوانندگان و حامیان، قدرت بسنده برای اثرگذاری بر فرآیند سیاست داشته باشند. دولت یازدهم این فرصت را دارد که در خصوص تقویت هویت ملی ایرانیان خارج، تبادل دانش و فناوری؛ مشارکت اجتماعی و اقتصادی و جذب سرمایه‌های ایرانیان، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ایرانیان خارج در عرصه دیپلماسی عمومی انتشار حقیقت پیام ایران اسلامی در پهنه جهانی، دفاع از حقوق ایرانیان و حل مشکلات آنان در داخل و خارج، گام‌های مبنایی بردارد. برخورد با موضوع ایرانیان، باید عینی و واقعی باشد. برخورد‌های منجاری و ارزش‌دورانه بی‌توجه به حقایق، واقعیت‌ها، فرصت‌ها و شرایط، فقط به پیچیدگی مساله و ازدست‌رفتن فرصت‌ها می‌انجامد.

مهسا جزینی: صحبت‌های اخیر حجت‌الاسلام «سیدمحمد خامنه‌ای» در گفت‌وگو با نشریه «مرزعبور» متعلق به نزدیکان احمدی‌نژاد، درباره ماجرای سفر ۲۷ سال پیش «هیات آمریکایی» و اشاره به نقش «هاشمی‌رفسنجانی» در این سفر ما را دوباره به «محسن کنگرلو»، مشاور امنیتی نخست‌وزیر وقت رساند؛ فردی که در همان گفت‌وگو از او زیاد نام برده شده است. او در جریان خرید اسلحه و تجهیزات مورد نیاز جنگ با «منوچهر قربانی‌فر» دلال اسلحه آشنا می‌شود و براساس آنچه در خاطرات هاشمی آمده، اولین‌بار خبر آمدن هیات آمریکایی را او به «هاشمی» می‌دهد. «محمد خامنه‌ای» در همان گفت‌وگو از او به‌عنوان رابط هاشمی با آمریکایی‌ها نام می‌برد. در کتاب «جنگ گرگ و میش» هم که پژوهشی درباره ماجرای «ایران کنتر» یا «مک‌فارلین» است و اخیرا بخش‌هایی از آن ترجمه و در سایت «تاریخ ایرانی» منتشر شده بود، چندجا به‌نقل از آمریکایی‌ها به «محسن کنگرلو» در جریان مذاکرات اشاره شده بود. مشاور امنیتی سابق نخست‌وزیر که پیش‌تر هم دوبار با ما گفت‌وگو کرده بود، این‌بارهم به سوالات ما پاسخ داد.

✚ **حجت‌الاسلام محمد خامنه‌ای گفته‌اند آمریکا به‌دنبال نفوذ در سران کشور در راستای جانشینی بعد از امام(ره) بوده است. ایشان جریان سفر مک‌فارلین را هم در همین راستا ارزیابی کرده و معتقدند که بحث فروش تجهیزات نظامی و آزادی گروگان‌ها در آقای هاشمی از قبل با آمریکایی‌ها ارتباط داشته و اینکه آقای کنگرلو، مشاور سیاسی نخست‌وزیر وقت هم یکی از آنها بوده. آیا شما رابط آقای هاشمی با آمریکایی‌ها بودید؟**

من تصحیح کنم که مشاور امنیتی آقای موسوی بودم و نه سیاسی. بعد هم لازم می‌بینم این نکته را گوشزد کنم که رهبری جامعه ما، چه قبل و چه در حال حاضر همیشه به فکر وحدت بین مردم و مسؤولان بودند تا کشور را از میان‌زدگی دور نگه دارند. اگر مسؤولان همواره در مظان تهمت و اقترا باشند، خودبه‌خود استقلال کشور هم دچار آسیب می‌شود. رهبری هم همواره افراد را از صحبت‌هایی که به تشست و تفرقه می‌انجامد پرهیز می‌دهند. اینکه ایشان بعد از چندسال خموشی این گفته‌ها را مطرح می‌کنند باید از خودشان سوال کنند که شما چه سندی برای این گفته‌های خود دارید. با توجه به اینکه حقوقدان هستید، از شما بیشتر انتظار می‌رود که مستند و قانونمند صحبت کنید. باید پاسخگوی قانونی صحبت‌های خود باشند. نمی‌شود که همین‌طور افراد را به آمریکایی‌بودن متهم کرد؟ مملکت قانون دارد. رهبر داشت و دارد. رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر داشت. سران سه قوه بودند و در جلسه سران همه این مباحث مطرح می‌شد. آسید احمدآقا هم در جلسات حضور داشت و تصمیمات را به سمع امام می‌رساند. البته یک بخشی از فعالیت‌های امنیتی که سری است که در همه‌جای دنیا معمول است و برای جلوگیری از نفوذ اطلاعات در گروه خاص امنیتی مطرح می‌شود. البته از آن‌سو هم دشمن جاسوس‌های خودش را دارد. فرستادن جاسوس برای کسب نفوذ و کسب اطلاعات همه‌جا وجود دارد. این ما هستیم که باید متوجه باشیم و اجازه نفوذ ندهیم.

✚ **ایشان در بخشی از صحبت‌هایشان گفته‌اند که بعد از مطالعات و بررسی‌هایی که دو طرف ایرانی و آمریکایی درباره نوع توافقات مدیریت آیند کشور کرده بودند، اصل توافق نهایی را- که مهم‌ترین بخش روابط مذکور بود- به همان ملاقات مک‌فارلین با شخص هاشمی موکل کرده بودند. آیا از سوی آمریکایی‌ها هیچ‌وقت خواسته‌ای فراتر از آزادی گروگان‌ها در راستای ایجاد رابطه یا مسایلی دیگر مطرح شد؟**

نخیر. البته اینکه آمریکا چه می‌خواست ربطی به ما ندارد. شاید خواسته آنها این بود که نظام جمهوری اسلامی را بپردازند. البته ما بعدها فهمیدیم که آنها می‌خواسته‌اند مشکل رابطه ایران و آمریکا را با آمدن به ایران و دیدار با مقامات حل کنند که به خواسته‌شان نرسیدند. اما در آن زمان، مهم اقدام ما بود. به «ولینور نورث» شخصا گفتم که من برای مذاکره نیامده‌ام، نه اجازه آن را دارم و نه ارتباطی به من دارد. کسان دیگری در این زمینه مسؤول هستند. الان ما فقط مخصوص تسلیحات و گروگان‌ها قرار است صحبت کنیم. در اوج قدرت ما، آنها در موقعیتی قرار گرفتند که به ما نیاز داشتند و این نیاز هم اینجا مطرح و بررسی شد. انجام آن هم یک کار انسان‌دوستانه بود. گروگان‌ها در اسارت بودند و ما هم به‌خاطر انسان‌دوستی برای آزادی آنها وساطت کردیم. آمریکایی‌ها هم در مقابلش تعدادی موشک که ما نیاز داشتیم را تحویل دادند. این موشک‌ها تنها چیزی بودند که می‌توانستند در برابر تانک‌های تی-۷۲ عراق که روسیه داده بود بایستند. نه بحثی از ارتباط بود و نه رابطه‌ای سیاسی ایجاد شد. آن زمان اصلا آنها چنین چیزی را طرح نکردند. اینها همه در همان زمان گفته شده است. خود آقای هاشمی در نمازجمعه همین مساله را بیان کردند و چیز تازه و پنهانی وجود ندارد. جالب است که همان زمان هم همین افراد، موضع گرفتند و امام هم پاسخشان را داد. طرح دوباره آن در حال حاضر جای سوال دارد.

✚ **ایشان می‌گویند که برخلاف ادعای مک‌فارلین که توانست با مقامات دیدار کند، هاشمی در جلسه غیرعلنی مجلس که ضبط شده است نگفته که ملاقات نکرده‌اند بلکه گفته حیف که نگذاشتند کار به آخر برسد، چنین کاری فتح الفتوح بود.**

بله. من معتقدم همین حرف آقای هاشمی کاملا درست است. هرچه که زمان می‌گذرد، باید افسوس بخوریم که چرا آن زمان می‌توانستیم موضوع جنگ را حل کنیم و نشد. همان‌طور که آقای هاشمی می‌گوید که اگر می‌گذاشتند فتح الفتوحی می‌شد، واقعا اینطور بود. آمریکایی‌ها در یک موقعیت حساس انتخاباتی بودند و آزادی گروگان‌ها بازی را به‌نفع آنها تغییر می‌داد برای

سیاست



پیش‌تر هم دوبار با ما گفت‌وگو کرده بود، این‌بارهم به سوالات ما پاسخ داد.

مشاور امنیتی نخست‌وزیر از ماجرای مک‌فارلین می‌گوید

می‌توانستیم مساله جنگ را حل کنیم

همین حاضر بودند که هرطور شده تجهیزات مورد نیاز را به ما بفروشد، در این صورت بازی جنگ به‌نفع ما به‌یک تغییر می‌کرد و الان این مشکلات درگیری در منطقه را داشتیم و خیلی از مسایل بعدی دیگر پیش نمی‌آمد. برای همین «نورث» از ملاقاتی که سر نگرفته بود، دلخور بود و چون پروژه‌اش شکست خورد و در آمریکا هم مورد بازخواست قرار گرفت، خودکشی کرد.

✚ **فکر می‌کنید مقصود آقای هاشمی از اینکه گفته‌اند حیف نت گذاشتند کار به آخر برسد چیست؟** در جلسات سران این مباحث مطرح شده بود. من در آن زمان در جلسه نبودم. امام احتمالا ماجرا را به سران سه قوه سپرده بودند و آنها به این نتیجه رسیدند که با مک‌فارلین و گروهش ملاقات نکنند و نکردند.

✚ **آقای سیدمحمد خامنه‌ای تأکید بر این دارند که این ماجرا مخفی بود و همه از آن اطلاع نداشتند به‌جز خود آقای هاشمی، شما و احتمالا معدود افرادی دیگر. شما می‌گویید که هویت اصلی هیات آمریکایی که شامل مشاوران امنیت‌ملی آمریکا بودند را در فرودگاه متوجه شدید تا پیش از آن چه‌کسانی می‌دانستند که قرار است گروهی از آمریکا به ایران بیایند؟**

بالطبع. آن کسانی که باید می‌دانستند و کسانی که ملاقات کردند و از نظر اجرایی مسوولیت امنیتی داشتند همه در جریان بودند.

✚ **سردار رشید که مسوول سابق تحقیقات جنگ سپاه بودند، گفته‌اند که آقای رضایی در جریان بوده‌اند. خود آقای رضایی هم بعدا گفته که در جریان بوده است.**

من به شخص کاری ندارم اما مجموعه در جریان بود.

✚ **کتابی اخیرا به نام «جنگ گرگ‌ومیش» در آمریکا منتشر شده و سایت تاریخ ایرانی بخش‌هایی از آن را ترجمه و روی سایت خود قرار داده است. بخشی از آن به جریان «مک‌فارلین» می‌پردازد. در این کتاب یک مقام اسرائیل گفته است که ایرانی‌های میانه‌رو طرفدار غرب به پشتیبانی خارجی نیاز داشتند و برای نشان‌دادن حسن‌نیت خود پیشنهاد آزادی گروگان‌های آمریکایی را در لبنان در ازای مبادله تجهیزات نظامی داده بودند. احتمال دارد که منظور او «منوچهر قربانی‌فر» بوده باشد. آیا این پیشنهاد آزادی گروگان‌ها از سوی ایران داده شده بود؟**

برعکس، خود آمریکایی‌ها دنبال این بودند که هرطور شده گروگان‌هایشان را آزاد کنند. کار با رزاین را واسطه کرده بودند و در روزنامه‌های آن زمان هم اتفاقا اخبارش منتشر شد. شش تا هفت‌ماه به موعد انتخابات آمریکا بیشتر نمانده بود و آنها خیلی عجله داشتند که همه گروگان‌ها یکباره آزاد شوند تا آنها ابزار تبلیغاتی خوبی در برابر حریف دستشان باشد.

✚ **در همان کتاب به نقل از مک‌فارلین نوشته است که کنگرلو و قربانی‌فر خیلی دیر رسیدند و ما را به سمت یک ماشین قدیمی بردند و با آن به هتل استقلال رفتیم و سپاه پاسدارا کل طبقات بالایی را برای اقامت ما خالی کرد. مگر شما و آقای قربانی‌فر باهم رفتید؟**

نخیر. دوفتر از سپاه و من، که شب قبل جایی خوابیدیم و کمی در رقتیم چون ماه رمضان بود و بعد از سحری خواب داشتیم، باید ساعت هشت می‌رسیدیم اما دیرتر رسیدیم. قربانی‌فر هم با آنها بود با ما نبود. ماشین هم تشریفاتی وزارت خارجه نبود. ماشین سپاه بود.

✚ **درباره هویت اصلی هیات، آقای هاشمی گفته است ما فکر می‌کردیم که هیاتی تجاری- نظامی قرار است بیایند.**

ما خودمان هم شک داشتیم. چیزی گفته بودند اما دو دشمن بودیم. مطمئن نبودیم که می‌آیند.

✚ **در همان کتاب از قول جرج کیو آمده است که قربانی‌فر گویا در خصوص سلاح‌هایی که قرار بوده به ایران تحویل داده شود بزنگمایی کرده و قول‌های زیاد اما غیرواقعی، هم به طرف ایرانی و هم به آمریکایی داده بود. آیا درست است؟**

هدف قربانی‌فر این بود که ما در جنگ برنده شویم. درست است که او آدمی بود که در کودتای نوزده دست داشت و فراری بود اما قبل از این قضایا آمده بود و اطلاعات زیادی به آقای یونسو، دادستان ارتش داد. او این خدمات را کرده بود که ما به او اعتماد کردیم، به‌سادگی نبود که از راه رسیده به او اعتماد کنیم. ایشان هم چیزی گیرش آمد یا نه، نمی‌دانم؛ اما او هم می‌خواست برای وطن کاری کند. تا همانجا هم ما ۱۱هزار قطعه هاک به‌جز موشک‌ها وارد کردیم و همین باعث شد که فاو را بگیریم.

✚ **در همان کتاب آمده است که خبر آمدن این هیات همه‌جا پیچیده بود و مهدی هاشمی جمعیتی را**

اف ۱۴. این چندمین دیدار شما بود؟

اولین دیدار بود. ما دوبار دیدار داشتیم. برخلاف آنچه گفته شده است، آنجا شخصی به نام علی سمیعی هم حضور نداشت. البته از سپاه افرادی بودند.

✚ **در این دیدارها اصلا درباره سفر به تهران صحبتی نشد؟ و چرا همان‌جا نتوانستید به توافق نهایی برسید؟** ما قبل از اولین مذاکرات در فرانکفورت درخواست کرده بودیم که در ابتدای کار، ۵۰۰ موشک برای ما ارسال کنند. ما گفتیم زمانی حاضرمی‌شما را ببینیم که شما این موشک‌ها را برای ما فرستاده باشید. در همان جلسه اول هم به آنها گفتم که قرار ما این بود، حتی ما ننشستیم که مذاکره را شروع کنیم. چون اعتماد نداشتیم و همانجا زنگ زدند به ریس‌گان و آنها تقریبا ۱۲ ساعت بعد ۵۰۰ موشک را تحویل دادند و نشست بعدی را به فردا موکول کردیم، یعنی زمانی که از ارسال این موشک‌ها مطمئن شدیم. این نشان‌دهنده این است که ما از منظر قدرت برخورد می‌کردیم.

✚ **در همین کتاب باز به این اشاره شده است که آقای موسوی هنگام تحویل یک محموله به فرودگاه می‌رود و وقتی متوجه می‌شود که مارک اسرائیلی دارد عصبانی می‌شود و به کنگرلو زنگ می‌زند و او هم به «لدین» زنگ می‌زند.**

فقط آقای‌هاشمی در این ماجرا مسوولیت داشت و مسوول اصلی ماجرا ایشان بود. چون جنگ دست او بود و به امام هم نزدیک بود. این خبرها دروغ و بی‌ربط است. شرط ما ارسال موشک تاو بود که آنها هم تحویل دادند. کوه‌پس‌کوه‌ها به سمت فرودگاه بردند.

✚ **البته در خاطرات آقای هاشمی هم آمده است که برخی مارک اسرائیلی داشتند که قرارش پس فرستاده شود.**

۱۸ موشک هاریون فرستاده‌بودند درحالی‌که ما هاریون داشتیم، اما موشک تاو می‌خواستیم. من دقیقا ندیدم که مارک اسرائیلی داشته باشند و از نظر عقلی هم خودشان می‌دانستند اگر موشک با مارک اسرائیلی بفرستند ما نمی‌پذیریم و موضوع آزادی گروگان‌ها هم به مشکل می‌خورد و درگیری بیشتر می‌شد. آنها این‌قدر می‌ترسیدند که با پاسپورت آمریکایی نیامدند. من نمی‌دانم موشک‌ها را از کدام پایگاه می‌فرستادند. طبیعتا در سراسر دنیا پایگاه‌های زیادی داشتند. ۷۲ ساعت موشک‌ها در اختیار ما بود که یکی یکی تست کنیم. چون پیش آمده بود که برخی رفته بودند موشک خریده بودند و پولش را هم داده بودند اما بعدا متوجه شدیم که داخلش آجر پر کرده‌اند. مهاله‌ای هم که می‌خواهم در آخر اضافه کنیم این است که منافع ملی هیچ‌وقت نباید قربانی منافع حزبی و جناحی شود، در گذشته و الان برخی متأسفانه چنین می‌کنند. ضمنا موشک‌های جمهوری اسلامی همان نیروهای هوادارانش در سراسر دنیا هستند که هیچ دولتی در دنیا نه قادر است تولید کند و نه در اختیار دارد.

منهای بایتخت

آیت‌الله مکارم‌شیرازی:

ماهواره و اینترنت

بلای جان جوانان شده‌است

● **قم- ایلنا:** یکی از مراجع تقلید شیعه در قم، با بیان اینکه دشمن می‌خواهد با ابزارهای نوین ارتباطی، دنیا را به فساد بکشانند، گفت: مسایل فرهنگی در جامعه شرایط نامطلوبی دارد که دلیل آن هم ماهواره، اینترنت و فضاهای مجازی است که بلای جان جوانان شده است. آیت‌الله مکارم‌شیرازی با بیان اینکه اختلافات بین مسوولان نمی‌گذارد نتیجه مطلوب برای خدمت به دست آید، گفت: مسوولان نظام باید از حزب و جناح‌بازی و اختلاف دوری کنند.

رییس‌کل دادگستری خراسان شمالی:

امربه‌معروف برای برقراری عدالت الزامی است

● **بجنورد- ایسنا:** رییس کل دادگستری خراسان شمالی گفت: امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر برای برقراری عدالت الزامی است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین قدرتی افزود: اگر می‌خواهیم عدالت در جامعه برقرار شود باید همگی احساس مسوولیت کنیم و فریضه مهم امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در جامعه اجرایی شود. قدرتی تأکید کرد: یکی از نهادهایی که می‌تواند این فرضیه مهم را اجرایی کند، دستگاه قضاست و اگر این دستگاه نبود مشخص نبود که چه انحرافات غیرقابل‌تصورى به وجود می‌آمد.

امام‌جمعه ساری:

مسلمانان، نفت را رایگان

در اختیار خارجی‌ها قرار ندهند

● **ساری-** ایرنا: نماینده ولی فقیه در استان مازندران و امام‌جمعه ساری گفت: کشورهای مسلمان عضو اوپک، به‌خصوص عربستان و قطر، نفت و گاز را رایگان و ارزان در اختیار خارجی‌ها، به‌خصوص کشورهای استکباری قرار ندهند. آیت‌الله نورالله طبرسی افزود: اگر بین اعضای اوپک، که عمدتا مسلمان هستند، وحدت حاکم شود و میزان فروش نفت و گاز کاهش یابد، دنیا به‌ویژه غربی‌ها، دچار مشکل خواهند شد.

